



# بی‌اعتمادی به نظم آمریکایی در خاورمیانه

## رئیس جمهور بعدی آمریکا با انتخاب‌های سختی در غرب آسیا مواجه است

The Economist

### موضع چین در مقابل جنگ خاورمیانه

تحولات خاورمیانه چین را که با فاصله، قدرتمندترین کشور در میان چهار کشور چین، ایران، کره شمالی و روسیه است و در غرب از آن‌ها به عنوان «محور آشوب» یا «چهارگانه هرج و مرج» یاد می‌شود، نگران کرده است. این چهار کشور مخالف نظم جهانی به رهبری آمریکا هستند و آمادگی بر هم زدن آن را دارند. تعاملات امنیتی این کشورها با یکدیگر اغلب در سایه قرار دارد. اما چین به‌رغم قدرت‌نمایی خودش در اطراف تایوان، علاقه و اشتیاق چندانی نسبت به درگیری و تنش ندارد. روابط چین با ایران نشان‌دهنده این وضعیت دشوار است. رهبران پکن همسویی فراوانی با جهان‌بینی مقام‌های ایرانی دارند. سال گذشته ایران توانست به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآید که یک کلوب امنیتی-اقتصادی اوراسیایی تحت سلطه چین و روسیه است. در ماه ژانویه نیز ایران به عضویت گروه بریکس پذیرفته شد که گروه دیگری است که چین و روسیه تلاش می‌کنند از طریق آن اردوگاه بدبینان نسبت به نظم جهانی با محوریت غرب را تقویت کنند. براساس برآوردها، ۱۰ تا ۱۵ درصد واردات نفت چین از طریق ایران تامین می‌شود. این یعنی بخش اعظم صادرات نفت ایران به چین می‌رود. چین به‌عنوان بزرگترین خریدار نفت خارجی جهان نگران تأثیرات احتمالی جنگ گسترده در خاورمیانه بر عرضه و قیمت انرژی است. ایران نفت خود را از آن می‌فروشد. حمله اسرائیل به تاسیسات نفتی ایران می‌تواند چین را وادار کند که وابستگی خود به دیگر تامین‌کنندگان گران‌تر نظیر عربستان را افزایش دهد اما محموله‌های نفتی عربستان نیز ممکن است در تنگه هرمز یا دریای سیاه بر اثر شلیک موشک‌های ایران یا گروه حوثی‌های یمن گرفتار شوند. یک جنگ گسترده در خاورمیانه می‌تواند منافع تجاری چین را در منطقه تهدید نماید.

چین به تقویت تصویری از خود در میان کشورهای جنوب جهانی علاقه‌مند است که آن را به عنوان یک وزنه توازن بخش در برابر آمریکا مطرح می‌سازد اما در حالی که خاورمیانه در معرض ورود به یک جنگ گسترده قرار دارد که ایران، به‌عنوان یکی از دواستان برجسته چین در مرکز آن قرار خواهد داشت، ضعف ناتوانی دیپلماتیک چین در منطقه در معرض خطر آشکار شدن قرار خواهد گرفت. پکن در سال‌های اخیر تلاش کرده عکس این موضوع را به نمایش بگذارد. در مارس سال گذشته این کشور واسطه از سرگیری روابط بین ایران و عربستان شد. در ماه جولای نیز، گروه‌های رقیب فلسطینی یعنی فتح و حماس در پکن یک موافقتنامه همکاری را برای تشکیل یک دولت جدید فلسطینی پس از پایان جنگ غزه اعلام کردند اما این اقدامات هیچ تأثیری بر توقف خشونت‌ها در منطقه نداشته است. اسرائیل «اعلامیه پکن» را رد کرده و گفته خواهان نقش‌آفرینی حماس در سرزمین‌های فلسطینی نیست. وابستگی ایران به چین به‌عنوان خریدار نفتش ظاهراً اهم کافی را برای فشار بر تهران در اختیار پکن قرار می‌دهد. اما ظاهراً چین منفعت بیشتری از گرفتار شدن آمریکا در خاورمیانه می‌برد تا تلاش برای کمک به کنترل ایران. احتمالاً از نظر چینی‌ها، آمریکایی‌ها که درگیر جنگ‌های مختلف در اوکراین و خاورمیانه باشند، اشتیاق چندانی برای تقابل با پکن بر سر تایوان یا دریای چین جنوبی نخواهد داشت. این بدان معنا نیست که چین علاقه‌مند به تشدید تنش‌های منطقه است. در گزارشی که در ماه جاری میلادی توسط بنیاد کارنگی منتشر در واشنگتن منتشر شده، روابط امنیتی بین چین و ایران «بسیار محدود» توصیف شده بود. به علاوه با وجود اینکه توافق ۲۵ ساله ایران و چین امکان سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چینی‌ها را در ایران فراهم می‌کرد، پکن تمایلی برای سرمایه‌گذاری گسترده در ایران از خود نشان نداده است.

چین تمام دوستان خود را برای گرفتن آرام و قرار از آمریکا مفید می‌داند. اما در عین حال با آن‌ها با احتیاط برخورد می‌کند و در مقایسه با سایر اعضای گروه چهار کشور، اشتیاق کمتری نسبت به ریسک‌پذیری از خود نشان می‌دهد. در خاورمیانه، پکن به دنبال گرفتار شدن در یک نزاع پیچیده نیست. اگر واقعاً جنگی بین ایران و اسرائیل در بگیرد، رهبران پکن احتمالاً عقب‌نشسته و صرفاً نظاره‌گر خواهند بود. آن‌ها صرفاً آرزو خواهند کرد که منافع چین در این زده و خورد آسیبی نبیند.

ترجمه: انتخاب



متیو بارروز

مشاور مدیرعامل  
اندیشکده استیمسون



یوزف برلام

مدیر حوزه اروپای  
کمیسون ترابرتال

THE NATIONAL INTEREST

مطلبی که در ادامه می‌آید ترجمه مقاله‌ای از پژوهشگران اندیشکده استیمسون آمریکا است که در نشریه نشنال اینترست منتشر شده است. نویسندگان این مقاله توصیف می‌دهند که چگونه حوادث یک سال گذشته باعث شده است «صلح تحت سلطه آمریکا» در خاورمیانه معنای خود را از دست بدهد و متحدان سنتی آمریکا دیگر مانند گذشته به آمریکا اعتماد نداشته باشند. ترجمه و نشر این مقاله به معنای تأیید محتوای آن نیست و فقط با هدف آشنایی مخاطبان ایرانی با دیدگاه‌های اندیشکده‌های آمریکایی منتشر می‌شود.

همزمان با اینکه اسرائیل لبنان را زیر بمباران گرفته است و به حمله انتقامی علیه ایران فکر می‌کند، مسئله‌ای که بیش از هر چیز دیگر به چشم می‌آید از بین رفتن اثرگذاری ایالات متحده آمریکا در فرآیند تصمیم‌گیری در اسرائیل پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ است. اسرائیلی‌ها که تحت سلطه نظامی‌گری باشند ممکن است بتوانند به صورت موقت حملات تروریستی را متوقف کنند، اما در این شرایط رسیدن به صلح دائمی امری ناممکن خواهد بود. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا خود را در مدیریت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل ناتوان نشان داد و شاید ناخواسته با استمرار جنگ منطقه‌ای و افزایش قیمت سوخت در آمریکا موفقیت کارزار انتخاباتی کاملاً هریس را تضعیف کرده باشد. نقشه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا هم برای ایجاد صلح از طریق ساختن پیوندی اقتصادی میان اسرائیل و کشورهای عربی و اعمال فشار حداکثری با ایران، به نظر بی‌نتیجه و نامیدکننده می‌رسد و در نتیجه آن روسیه و چین بیش از هر زمان دیگر به تهران نزدیک شده‌اند. هر کسی که در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پیروز شود با دو گزینه ناخوشایند مواجه است، یا تلاش کند که نظم را به خاورمیانه بازگرداند که می‌تواند اولویت‌های واشنگتن را در اروپا و آسیا به خطر بیندازد، یا اجازه بدهد که منطقه زیر سلطه نظامی اسرائیل بیوسد که به معنای زمین‌ساز برای منازعه‌ای بزرگ‌تر در آینده خواهد بود.

جبهه سوم جدید برای اسرائیل

روز یکم اکتبر ۲۰۲۴ ایران بیش از ۱۸۰ موشک به سمت

اسرائیل شلیک کرد. این اقدام یکی از بزرگ‌ترین حملات موشکی در تاریخ منازعه علیه اسرائیل بود. در پایان دانیل هاگاری ادعا کرد که سامانه‌های دفاع هوایی اسرائیل بخش اعظم موشک‌های ایرانی را رهگیری کرده‌اند اما برخی از آنها در مرکز و جنوب اسرائیل اصابت کرده‌اند. براساس گزارشی که واشنگتن پست ارائه داده است دست کم ۲۰ موشک برد بلند ایرانی از سامانه‌های دفاعی اسرائیل و متحدانش عبور کرده‌اند و دست کم به سه مکان نظامی و اطلاعاتی برخورد کرده‌اند.

اقدام نظامی ایران پس از آن رخ داد که ارتش اسرائیل «حمله زمینی محدود، محلی و هدفمند» خود را علیه حزب الله در جنوب لبنان آغاز کرد. بر اساس بیانیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اقدام نظامی ایران واکنشی به ترور رهبران حماس و حزب الله در ماه‌های اخیر بود. تهران تهدید کرده است که اگر اسرائیل موشک‌باران اخیر ایران را تلافی کند، ایران این بار «سخت‌تر» حمله خواهد کرد. با این حال ارتش اسرائیل می‌گوید که اقدام نظامی ایران «عواقبی خواهد داشت». دانیل هاگاری، سخنگوی ارتش اسرائیل گفته است: «ما نقشه‌هایی داریم و در مکان و زمانی که خودمان انتخاب کنیم، اقدام خواهیم کرد.» او اشاره‌ای نکرد که این اقدام چگونه خواهد بود یا چه زمانی اتفاق خواهد افتاد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل مدعی واکنشی تدریجی شد و گفت که ایران خطایی جدی مرتکب شده است و به خاطر آن مجازات خواهد شد.

حمایت پولادین آمریکا از اسرائیل

آمریکا تهدیدهای ایران را جدی می‌گیرد و حمایت نظامی خود را از اسرائیل تشدید کرده است. اسرائیل بتواند حملات ایران را دفع کند. وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که تعداد جنگنده‌های آمریکایی را در منطقه افزایش خواهد داد و به ناو هواپیمابر یواس اس آبراهام لینکلن دستور داد در خاورمیانه باقی بماند. بر اساس بیانیه پنتاگون، لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا و یوآو گالات، وزیر جنگ اسرائیل در گفت‌وگویی تلفنی در مورد «عواقب جدی در صورتی که ایران تصمیم بگیرد حمله مستقیم به اسرائیل انجام دهد، گفت‌وگو کردند.» متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هم گفت: «حمایت آمریکا از اسرائیل پولادین است» و اضافه کرد که واشنگتن برای هرگونه واکنشی در آینده با اسرائیل هماهنگ می‌شود. هر چند دولت آمریکا مدعی است که هماهنگی تنگاتنگی با اسرائیل دارد و تاکنون بارها در مقابل ابتکارهای نتانیاهو رد دست خورده است.

تردیدهای اسرائیل در مورد حمایت آمریکا

با توجه به واکنش محتاطانه دولت جو بایدن به اقدام نظامی ایران علیه اسرائیل در ماه آوریل، اسرائیل دیگر خود را متعهد به این نمی‌داند که توصیه‌های آمریکا را رعایت کند و در اقدام‌های آینده خویشتن‌داری کند. اعتماد اسرائیل به عزم بایدن برای اقدام قاطع علیه تاسیسات هسته‌ای ایران بسیار پایین است. در حال حاضر بایدن خواستار واکنش متقابل متناسب است و توصیه کرده است که اسرائیل اقدامی علیه تاسیسات هسته‌ای ایران انجام ندهد. اسرائیل نگران این است که ایران از برنامه هسته‌ای خود برای دستیابی به سلاح استفاده کند و از آن به عنوان ابزار بازدارندگی استفاده کند. چنین سلاحی به عنوان چتر اتمی نقش‌آفرینی خواهد کرد و باعث می‌شود تا ایران رویکرد تهاجمی تری در پیش بگیرد و به این دلیل که می‌داند امکان حمله متقابل وجود ندارد، احساس امنیت کند.

ایران در شرایط مناسبی برای تشدید تنش قرار ندارد. با توجه به تضعیف شدید حماس و بدون رهبر شدن و از دست رفتن سازماندهی حزب الله، گروه‌های متحد ایران نمی‌توانند به اندازه‌ای که در شرایط عادی ممکن بود، به ایران کمک کنند. علاوه بر حملات اخیر علیه حزب الله، شدت عملیات اسرائیل علیه حماس در غزه هم باعث شده است که توانایی ایران برای اقدام‌های ایدئولوژیکی در صورتی که با تهدید مواجه شود به شدت کاهش پیدا کند. اما چنین ضرب‌بهایی ممکن است ایران را قانع کند که تصمیم خود را در مورد برنامه هسته‌ای و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تغییر دهد. مقام‌های ایرانی اخیراً چند بار اشاره کرده‌اند که رویکرد تهاجمی اسرائیل ممکن است ایران را وادار کند که دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهد. برخی اشاره کرده‌اند که ممکن است آیت‌الله علی خامنه‌ای فتوای خود را در مورد منع دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای تغییر دهد. نظام ایران هم افزایش قابل توجهی در سانتریفیوژها هم از لحاظ تعداد و هم از لحاظ ظرفیت برای غنی‌سازی اورانیوم ایجاد کرده است و مقدار بسیار زیادی اورانیوم غنی شده در آستانه سطح غنی‌سازی مورد نیاز برای سلاح انباشت کرده است. بهار امسال، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که ایران اورانیوم را با غنای ۶۰ درصدی غنی‌سازی می‌کند که بسیار بیشتر از سطح غنی‌سازی ۲ تا ۴ درصدی دیگر قدرت‌های هسته‌ای است. این میزان از غنای اورانیوم بسیار به غنای لازم برای ساخت سلاح نزدیک است. گروسی گفته است: «آنها مقدار کافی اورانیوم غنی شده برای چندین بمب هسته‌ای در اختیار دارند، اما آیا معنایش این است که سلاح هسته‌ای دارند؟ نه! سلاح هسته‌ای به بسیاری از چیزهای دیگر هم نیاز دارد. اما وضعیت خیلی جدی است.» او گفت که میزان بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اندازه‌ای که باید نیست. آمریکا و اسرائیل بارها گفته‌اند که اجازه نمی‌دهند ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا

